



زبانهای عبری، یونانی و لاتین داشت. وی نه تنها مترجم و بازنگر انجیل، بلکه نخستین نظریه پرداز تمام عیار ترجمه نیز به شمار می آید. نوشته های گوناگون وی استنباط همگنی از ترجمه را داراست. در قرون بعد، کلیسا این انجیل ترجمه شده به لاتین را به عنوان کتاب دینی مرجع می شناساند. در قرن شانزدهم، پروتستان ها در اروپا ترجمه به زبانهای عامیانه را افزایش دادند تا مؤمنین خودشان بتوانند انجیل را بخوانند و تفسیر کنند. این کار به سست شدن پایه های انحصارخواهی کلیسای رم در ترجمه انجامید^۸. در این باره ای. کری می پرسد « آیا نهضت اصلاح خواهی دینی پیش از هر چیز منازعه ای میان مترجمان نبوده است؟ »^۹ کلیسا شدیداً با تکرر ترجمه ها که سرچشمه خطاها و تفرقه بود مخالفت کرد، مخالفتی که در قالب حرکت های ضد اصلاح خواهی و دادگاه های تفتیش عقاید ظهور یافت. در اوج رشد جنبش اصلاح خواهی، شورای روحانیون کاتولیک سالهای ۱۵۴۵-۱۵۶۳ که به نام شورای ترانت ۱۰ معروف است، پس از بررسی تمامی نکات بنیادین آموزه کاتولیک، بر لزوم معرفی نسخه رسمی لاتین به عنوان تنها ترجمه موثق متون مقدس تأکید کرد. بیانیه ای که به بی اعتباری و گمراه کننده بودن همه ترجمه ها به زبانهای عامیانه هم حکم می داد. در گردهمایی هشتم آوریل ۱۵۴۶، شورای روحانیون چاپ قدیمی وولگات را، از میان نسخه های موجود کتاب مقدس به لاتین، نسخه معتبر دانست، نسخه ای که کلیسا خود، قرن ها از آن بهره برده بود. شورای یاد شده همچنین مقرر و اعلام کرد که این نسخه مورد تأیید باید در اندرزا، مباحثات، موعظه ها و تفسیرها به عنوان منبع موثق مورد توجه

ترجمه از همان ابتدا جزء لاینفک کلیسا بوده است، همان گونه که آمده است « ترجمه کردن جنبش بنیادین مسیحیت است » و « ترجمه کردن انجیل همواره ترجمه ترجمه ای بوده است. »^۲ و این که « ترجمه انجیل نوعاً فعالیتی مسیحی است. »^۳ می دانیم که متون مسیحیت که به زبانهای بومی ترجمه شده اند، به نوبه خود برگردان ترجمه هایی هستند که نسخه نخستشان موجود نیست و این ترجمه ها در واقع رونوشت رونوشت ها هستند. چنین است که کلیسای کاتولیک با دقت و احتیاط و حتی با بدگمانی با مقوله ترجمه برخورد می کند. [همان مقوله ای] که رسالت کلیسا به آن وابسته است چرا که بدون ترجمه گسترش مسیحیت ممکن نیست. همچنین می دانیم که در عالم مسیحیت قرن چهارم، ترجمه های گوناگونی به زبانهای سریانی، ارمنی، اتیوپیایی، یونانی و لاتین، از جمله لاتین باستان^۴ رایج بود. این ترجمه آخری، که از قدیمی ترین نسخه های زبان لاتین است، در آفریقای تحت الحمایه در سالهای ۲۰۰ - ۲۵۰ م. توسط اقلیت های مسیحی که زبان کلیسای نخستین یعنی یونانی را نمی دانستند به انجام رسید. از آنجا که این نسخه ها یکسان نبوده و اشتباهات بسیاری داشتند، ضرورت بازنگری آنها احساس می شد. در آن موقع پاپ داماس اول^۵، مسئولیت سنگین بازنگری انجیل را به اسیبو هیرونیموس (ژروم)^۶، که تمام توانایی های زبان شناسانه و متن شناسانه مورد نیاز برای انجام این بازنگری را یک جا در خود داشت، محول نمود. این کار در بیت المقدس به انجام رسید و به ظهور ترجمه لاتین انجیل وولگات^۷ انجامید. ژروم فیلسوف، خطیب، دستور نویس، منطق دان و مترجم شناخت عمیقی هم از

قرار گیرد و هیچکس نباید تحت هیچ بهانه‌ای جرأت و ادعای رد کردن آن را داشته باشد ۱۱.

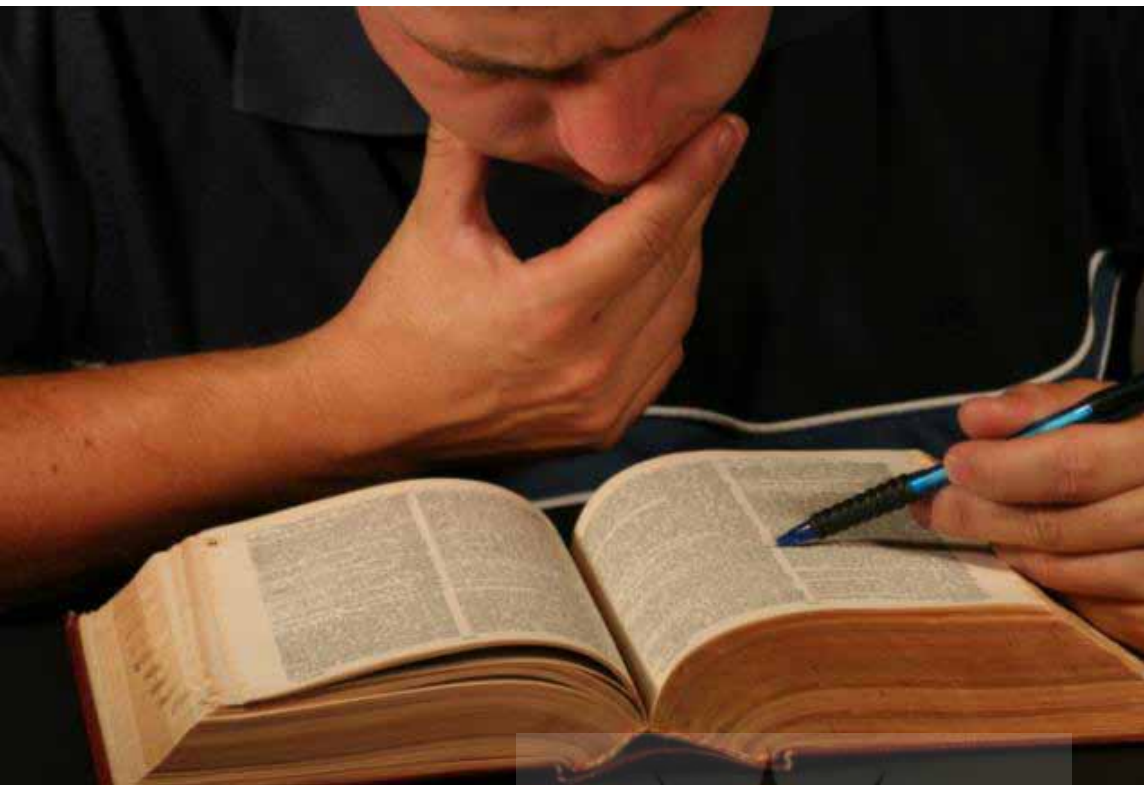
کلیسا تنها ترجمه‌هایی را تاب آورد که یادداشتهای مستندی را در حاشیه از کشیشان و صاحب‌نظران رسمی کلیسای کاتولیک بر خود داشتند. رم که سخت نگهبان امتیاز انحصاریش در تفسیر متون مقدس بود، در قبال ترجمه‌ها از خود بدبینی نشان می‌داد و به مؤمنینی هم که هم و غم خود را به قرائت آزادانه متون مقدس صرف می‌کردند، «عامه جاهل» به گفته پاپ پی هفتم، نظر خوشی نداشت. در سال ۱۸۱۶، این عضو عالی‌مقام کلیسا می‌نویسد: «اگر انجیل مقدس، بدون تشخیص، در زبانهای عامیانه مقبول بیفتد، آسیبهایی که به دنبال آن ایجاد خواهد شد بیش از فوایدش خواهد بود ۱۲». نسخه‌های ترجمه شده به زبان‌های عامیانه الزاماً یکدست نبودند - [می‌دانیم که] وجود تفاوت در جوهره ترجمه است، و سران کلیسا همواره بیم داشتند که این ترجمه‌های چندگانه «سستی ایمان» را سبب شوند. کلیسای کاتولیک همیشه ارتباطی ضد و نقیض با ترجمه برقرار کرده، مترجمان را اغلب منحرف خوانده و احتمال داده است که آنان قصد دارند با ترفند و با انتشار انجیل به زبانهای عامیانه قابل فهم برای مؤمنین، به رواج اعتقادات نادرست بپردازند و اقتدارش را تخریب کنند. از این دوران، کلیسا بدون آن که نسخ اصلی کتاب را داشته باشد (عهد عتیق [برای مثال] پیش از عصر مسیحی وجود داشته است)، خود را دارای حق کامل معیار درست‌کیشی می‌داند. از آنجا که ترجمه انجیل می‌توانست کاری مخرب و مخاطره‌آمیز باشد، مأموران کلیسا مترصد بودند تا مترجمانی را که جرأت می‌یافتند اقتدار رم را با ارایه ترجمه‌هایی جدید به چالش بکشانند، تعقیب نمایند.

می‌توان اذعان کرد که کلیسای کاتولیک هیچگاه نسبت به مترجمان، علیرغم نقش انکارناپذیرشان در گسترش جهانی این نهاد، مهربان نبوده است. در سال ۱۸۴۴، پاپ گرگوار شانزدهم با قضاوتی سخت درباره مترجمان، خطرات ترجمه به زبانهای عامیانه بدون تأیید کلیسای رم را یادآور می‌شود. وی می‌نویسد: «فراموش نکنید که در زبان ما چه پشتکار و درایتی لازم است تا ترجمه‌ای با رعایت امانت در کلام پروردگار انجام پذیرد. چراکه هیچ چیز آسانتر از تولید این اشتباهات خطرناک از طریق ترجمه‌های گوناگون جوامع انجیلی نیست، اشتباهاتی که ناشی از نادانی و غفلت خیل مترجمان است. این اشتباهات - پرشمار و تنوع ترجمه‌ها پنهان می‌مانند و بسیاری را به تباهی می‌کشانند.

در خود این جوامع، این که با خواندن ترجمه‌های انجیل به زبانهای عامیانه بیشتر دچار این‌گونه اشتباهات یا اشتباهات نوع دیگر شوند، از اهمیت کمی برخوردار است یا اصلاً اهمیتی ندارد. امیدوار باشیم که اندک اندک عادتشان شود که طالب برداشت آزادانه از معنی متون مقدس شوند و سنت‌های الهی را که در کلیسا بر پایه آموزه کشیشان حفظ شده حقیر شمارند و جایگاه خود کلیسا را هم مورد تردید قرار دهند ۱۳». دو سال بعد، پاپ پی نهم به همین مسئله می‌پردازد و «جوامع انجیلی پیمان شکن» را به تجدید «شگردهای نفرت‌انگیز ملحدان پیشین» و «ترجمه تحریف شده متون به زبانهای مختلف عامیانه بر علیه موازین خردمندانه کلیسا» و نیز رواج آنها در میان ناآگاه‌ترین مؤمنین محکوم می‌کند. نظرات پاپ‌هایی که ذکرشان رفت به خوبی با نگرش تاریخی کلیسا به ترجمه و مترجم همخوانی دارد. از سال ۱۹۴۳، واتیکان به اقتضای شرایط و ادار شد به شیوه‌ای دقیقتر موضع خود را درباره ترجمه انجیل و متون نیایشی مشخص کند. در واقع، شمار ویژه‌ای از اسناد رسمی صادره از کلیسای رم به موضوع ترجمه می‌پردازند و گواه آنند که این مسأله اهمیتی اساسی برای کلیسا دارد:

- بیانیه پاپ پی دوازدهم در باب پژوهشهای انجیلی (۱۹۴۳) *Divino Afflante Spiritu*
- تشکیل شورای اسقف‌ها در باب آیین نیایش ((*Sacrosanctum Concilium*, ۱۹۶۳
- آموزه نخست: اصولی برای اجرای اساسنامه در باره آیین نیایش (۱۹۶۴) *Inter Oecumenici*
- آموزه دوم: همگون‌سازی‌های نوین آیین عشاء ربانی (Tres abhinc annos, ۱۹۶۷)
- آموزه سوم: رهنمودهایی در باب نقش اسقف در نوسازی نیایشی (۱۹۷۰) *Liturgicae instaurationes*
- انتشار نئوولگات، نسخه نمونه لاتین ۱۴ توسط ژان - پل دوم (۱۹۷۹) *Nova Vulgata*
- نامه پاپ ژان - پل دوم به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد انتشار آیین نیایش (۱۹۶۳)
- آموزه چهارم: در باب هماهنگی فرهنگی و آیین نیایشی رم (۱۹۹۴) *Varietates authenticam*
- آموزه پنجم: استفاده از زبانهای عامیانه در نشر کتابهای نیایشی رم (۲۰۰۱) *Liturgiam authenticam*.





ترجمه و هماهنگی فرهنگی

حرکت آغازین را پاپ پی دوازدهم با انتشار بیانیه‌ای ۱۵ بنا نهاد. این سند تبیین‌کننده تغییر موضع سنتی کلیسا و گرایش بیش از پیش آن به پژوهش‌های مربوط به انجیل و ترجمه‌هاست. درباره بازنگری کتاب‌های مقدس، پاپ می‌گوید که چنانچه این کتابها حاوی اشتباهاتی باشند کپی‌نویس‌ها (و مترجمان) مسئول آن هستند چراکه این کتابها وحی الهی‌اند و «وحی الهی عاری از هرگونه خطاست.» (بند ۶). پژوهش‌های تفسیری می‌توانند از پیشرفت‌های علمی در گستره‌هایی مانند تاریخ، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و متن‌شناسی نیز بهره‌مند گردند. به این ترتیب مفسر معاصر «در جستجویش برای درک دین‌ورزانه و دقیق جزئیات به قلم آمده شارح زندگی مقدسین در ذل روح‌القدس» مجهز است. او می‌تواند نهایت تلاش خود را برای اصلاح تمامی تحریفات تحمیلی بر متن «نخستین نگارنده مقدس» بکار گیرد و حاشیه‌نویسی‌ها، از قلم افتادگی‌ها، جابجایی واژگان و «همه‌گونه اشتباهی را که معمولاً در تمامی متون دست به دست شده در طول سده‌ها وجود دارد» از متن بزدايد (بند ۲۱). همچنین پاپ در این بیانیه امیدوار است «این پیش‌داوری که کلیسا مغرض است و مانع خوانش متن مقدس می‌گردد برطرف شود» (بند ۱۳). وی موافقت خود برای انتشار ترجمه‌های جدید از انجیل به زبانهای عامیانه را اعلام می‌کند ۱۶، به این شرط که این ترجمه‌ها از زبان اصلی ۱۷ و نسخه لاتین انجیل (وولگات) که «مطلقاً از هرگونه اشتباهی مربوط به مسایل ایمان و اخلاقیات مصون مانده است» (بند ۲۶) پذیرد. پاپ پی دوازدهم تصریح می‌کند که مترجمان مفسر «بیشتر دغدغه خاطرشان باید معطوف به کشف مفهوم دقیق واژگان باشد» ۱۸ (بند ۲۰). اگر هم ابهامی باقی ماند خواسته پروددگار این بوده است: «خداوند از روی قصد دشواری‌هایی را در کتاب مقدس پراکنده ساخته است تا

ما را به خواندن و موشکافی دقیقتر برانگیزاند و ما با این مشاهده عبرت‌آموز به توانایی محدود درکمان پی ببریم و تمرین تواضع کنیم» (بند ۴۱). بیانیه یادشده در مجموع اذعان دارد که کتابهای مقدس شرایط بازنگری را دارا هستند و ارائه ترجمه‌های جدید از آنها امکان‌پذیر است. انتشار این بیانیه در تاریخ ۳۰ سپتامبر، سالروز درگذشت ژروم مقدس که نیمی از عمر خود را صرف این کار نمود، اتفاقی نیست.

شورای واتیکان دوم (۱۹۶۶-۱۹۲۶) بیش از پیش راه بر ترجمه می‌گشاید. در سال ۱۹۶۳، پل ششم اساسنامه‌ای در باب آیین نیایشی برای تسهیل در اجرای مراسم نیایش جدیدی که مورد درخواست کشیش‌های مجمع روحانیون بود، منتشر می‌کند. این سند مهم مظهر روح تازه‌ای است که در آن زمان به کلیسا دمیده می‌شود. در این سند، رم اجازه بهره‌گیری از زبانهای دیگری غیر از لاتین را در کلیساها و تشکیلات مربوط به مراسم مقدس ربانی، دعاها و سایر اعمال مذهبی صادر می‌کند. با این‌همه هر ترجمه جدید می‌بایست حمایت رم را دریافت نماید. از زمان انتشار این سند، مقرر مقدس [کلیسای رم] «پنج آموزه را برای اجرای هر چه بهتر اساسنامه در گستره مراسم نیایش مجمع روحانیون واتیکان دوم» به اطلاع عموم رساند. تمامی این آموزه‌ها، بویژه دو تای آخری که در باب بازبینی کتابهای نیایشی به زبان لاتین و نیز ترجمه به زبانهای گوناگون امروزی است، حاوی بسترسازی‌هایی برای ترجمه هستند. بخش تفاوت‌های مشروع ۱۹ موضوع حساس هماهنگی فرهنگی را به بحث می‌گذارد. این واژه به معنی ارایه و بیان دوباره کلام با رعایت قالب و واژه‌های متناسب با یک فرهنگ می‌باشد. با انتشار آیین نیایش در سال ۱۹۶۳ رم می‌پذیرد که در مناسک مذهبی اندکی ملایمت به خرج دهد و اشکال دیگر ۲۰ این مناسک را نیز، البته با در نظر داشتن برخی محدودیت‌ها، تجربه کند. جالب‌تر آن که آموزه پنجم (که از نظر تاریخی آخرین

طی قرون، به شکلی در خور رمز و راز آیین‌ها، تثبیت شده‌اند. درباره ترجمه متون، در سطح مشاوره ملی و همگانی، همایش اسقف‌ها می‌بایست کمیسیونی تشکیل دهند و افراد کارشناس در بخش‌های مختلف علوم و آیین پاک نیایشی را به همکاری بخوانند. بایسته است که به بررسی دستاوردهای این کمیسیون در جهت گیریهایش و نیز به کمکهایی که از گروه اسقف‌ها در فرآیند شکل‌گیری یا در طول فعالیتش دریافت نموده است پردازیم. زمانی که همایش یاد شده به مسئله تطبیق و هماهنگی فرهنگی عمیقتری می‌پردازد، نقش کمیسیون بسیار حساستر می‌شود و از همین روست که باید دقت بیشتری کنیم که کارشناسان واقعی در این زمینه‌ها به کار گرفته شوند ۲۴». [با توجه به این اظهارات] به نظر می‌رسد که برخی نوآوریها در حوزه هماهنگی فرهنگی (و ترجمه) موفقیتی در جلب نظر پاپ نداشته‌اند. رم دوباره ابتکار عمل را بدست می‌گیرد و قوانین مربوطه را تبیین می‌کند. بار دیگر درگیری در حوزه ترجمه بیدار می‌شود و نگاه کلیسا متوجه مترجمان می‌گردد.

ترجمه و سنت

کلیسا و جامعه در این دوره بیست و پنج ساله (-۱۹۸۸ ۱۹۶۳)، دگرگونیهای عمیقی یافتند. پدیده هماهنگی فرهنگی به همراه ترجمه‌هایی که به زبانهای عامیانه انجام گرفت مشکلات تازه‌ای را، که در ابتدای راه پیش بینی نشده بودند، بوجود آوردند. به منظور بهبود اوضاع، قوانینی از سوی واتیکان اعلام شد. مترجم می‌بایست آنها را مو به مو اجرا کند اما خصوصیات و ظرافت‌های متون او را از این کار بازمی‌داشت. مترجم بدون داشتن آزادی در بازگویی [متون] و بدون مراجعه به منابع ضروری بازآفرینی نمی‌تواند هنرش را به گونه‌ای مطلوب ارائه دهد. ترجمه فرایندی معمولی در جایگزینی [واژگان] نیست. ا. برمن می‌گوید: «اقتضای ترجمه آزاد بودن است، آزادی در مراحل گزینش کلی، آزادی در گزینش‌های جزئی، آزادی در سلطه زنجیره پی در پی کار ترجمه. این آزادی با وفاداری در می‌آمیزد و این بایسته هر مترجم است که با وجود خطرات، حد و مرز این آزادی را وفادارانه

آموزه است)، تنها به ترجمه به زبانهای عامیانه می‌پردازد. شاید این نخستین بار است که رم، در طول تاریخ طولانی، برداشتش را از ترجمه و توقعات ویژه‌اش را برای ترجمه متون مربوط به انجیل و آیین‌های نیایشی بطور مفصل و در قالب قوانینی دقیق ارائه می‌کند. این سند مهم که «رساله‌ای تمام عیار در باب ترجمه» است، جایگزین تمام ضابطه‌ها و رهنمودهای پیشین، بجز موارد موجود در بخش تفاوت‌های مشروع، می‌شود و محدودیت‌هایی را که باید در ترجمه رعایت شوند، تعیین می‌کند. بدانیم که در سال ۱۹۶۵ در پی درخواست کشیش‌های مجمع روحانیون کاتولیک برای انجام تصحیحات، پل ششم جانشین ژان بیست و سوم، کمیسیون ویژه‌ای تشکیل می‌دهد و اختیار بازبینی نسخه لاتین انجیل را، در پرتو پیشرفت‌های نوین در انجیل‌شناسی، به این کمیسیون واگذار می‌کند. در سال ۱۹۷۰ نسخه اولیه با نام «ترجمه جدید انجیل به زبان لاتین» ۲۱ و نسخه آخر آن توسط پاپ ژان-پل دوم در سال ۱۹۷۹ به چاپ رسیدند. این نسخه جدید جای متون اصلی را نگرفت اما به عنوان منبع ارجاعی کمکی در مورد ترجمه به زبانهای عامیانه مورد توجه قرار گرفت. از نظر رم، نسخه مزبور این مزیت را داشت که در زمینه تفسیر متون پایه‌ای، سنت‌ها را حفظ می‌کرد. از این پس مترجم باید تفسیر موجود در نئوولگات را در پیش بگیرد. در این بافت ویژه، ترجمه به عنوان مرجع نظری مورد استفاده قرار می‌گیرد. می‌توان گفت که از زمان واتیکان دوم، رم اصولاً با ترجمه‌هایی که از هماهنگی [فرهنگی] و معادل‌های زنده بهره گرفته بودند مخالفتی نمی‌کرد. این همانی بود که با مفهوم هماهنگی فرهنگی تناسب داشت و درک متون را برای مؤمنین آسان می‌کرد. خارج از مراکز سلسله مراتبی کاتولیکی، زبان رسمی امور کلیسایی یعنی زبان لاتین زبانی مرده بود که برای عامه مردم و دینداران قابل درک نبود. زبان لاتین، پس از دو هزار سال تسلط در گستره آیین‌های نیایشی، جایش را به زبانهای زنده دنیا سپرد و آیین‌گذار رسمی، دیگر نه پشت به مردم که روی به ایشان می‌ایستاد و این امر تغییری نمادین بود.

تغییر شرایط

هنوز بیست و پنج سال از انتشار بیانیه شورای اسقف‌ها در باب آیین نیایش نمی‌گذشت که در سال ۱۹۸۸ پاپ ژان-پل دوم در نامه‌ای به نام برآورد ۲۵ ساله ۲۲ نگرانی خویش را از تغییر و تحولات ناشی از اصلاحات در زمینه آیین نیایش و ترجمه اعلام نمود: «همایش‌های اسقف‌ها مسئولیت سنگین آماده‌سازی کتب نیایشی را عهده‌دار بوده‌اند. گاه الزامات زمانی به بهره‌گیری از ترجمه‌هایی موقت که به نام گاهنامه ۲۳ شناخته می‌شوند منجر گشته‌است. زمان آن رسیده که به برخی مشکلات که از آن هنگام ایجاد شده بیندیشیم، به رفع برخی کاستی‌ها و اشتباهات، به تکمیل ترجمه‌های ناقص، به خلق یا تأیید سروده‌های نیایشی، به احترام به آثار مؤید و بالاخره به چاپ کتابهای آیینی که در



تعیین کند ۲۵». چنین است که در واقع شمار اندکی از قوانینی که در قالب راهنماها و هنرهای ترجمه مطرح می‌گردند، در عمل به کار گرفته می‌شوند. تا جایی که می‌دانیم هیچ مترجمی در کارش همه قوانین راهنمای ترجمه را به کار نبسته است. سنجه ترجمه نه سنجه‌ای مربوط به دستور زبان است و نه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها. به گفته کریستین برنه: «در عمل ترجمه، قوانینی رعایت می‌شوند که قانونی برای شیوه بکارگیری آنها وجود ندارد ۲۶». قوانین از پیش تعیین‌شده این راهنماهای ترجمه، آن‌جا که دیگر به کلیات و مسایل جافتاده مقوله ترجمه نمی‌پردازند، به شاهدهی تبدیل می‌شوند از درکی گاه بسیار شخصی از این مقوله. این‌ها البته همان رهنمودی نیست که در آموزه پنجم با عنوان فرعی «آداب بهره‌گیری از زبانهای عامیانه در انتشار کتابهای آیین نیایشی رم»، می‌بینیم. این رهنمود توسط تشکیلاتی مقتدر و خودمختار منتشر شد که توانایی آن‌را داشت که ضوابط و رسوم سختگیرانه‌ای را به مترجمان بپذیراند و ترجمه‌هایی که این موارد را رعایت ننمایند تأیید نکند. اگر اصولی را که از آن به بعد می‌بایستی در ترجمه رعایت می‌شد تا آثار مطابق آموزه کلیسا تأیید شوند دقیقتر بررسی کنیم، می‌بینیم که آموزه پنجم به پنج بخش تقسیم می‌شود: ۱. انتخاب زبانهای عامیانه به جهت ورودشان به آیین نیایشی، ۲. ترجمه متون نیایشی به زبانهای عامیانه، ۳. آماده‌سازی ترجمه‌ها و تشکیل کمیسیون‌ها، ۴. انتشار کتب نیایشی، ۵. ترجمه متون نیایشی ویژه.

هدف این آموزه به شکل صریحی تشریح شده است: «تأملی دوباره بر روی مفهوم دقیق ترجمه نیایشی بطوریکه ترجمه آیینهای نیایشی به زبانهای عامیانه به شیوه‌ای مطمئن و با تأیید قطعی کلیسای پروردگار صورت بگیرد» (بند ۷). متن اصلی حاوی یک پاورقی کاملاً گویاست با این مضمون که برای بیان عمل ترجمه چندین واژه در زبان لاتین وجود دارد بویژه - *transductio, m - tation, redditio, interpretation, conversion, ve* - این مترادفها بطور معمول در اساسنامه شورای اسقفها در باب آیین نیایش و اسناد معاصر دیگر استفاده می‌شوند، اما نگارندگان این آموزه همه آنها را کنار نهاده و تنها - *transdu tio* و واژگان هم‌خانواده آن‌را پذیرفته‌اند. «حتی اگر کاربرد این واژگان در سبک و سیاق زبان لاتین اندکی دشوار باشد، و در زمره «واژگان نو» قرار گیرد.» (بند ۲، تبصره ۲). این ساده‌سازی در حوزه واژگان در واقع گواه گونه‌ای پیشداوری صوری در شیوه ترجمه است. تمام اصطلاحات دیگر کنار زده می‌شوند چراکه «این اصطلاحات تفاوتها و اختلافاتی را در متن جدید در مقایسه با متن اصلی به بار می‌آورند» (همان) و این‌که این اصطلاحات حامل اشتباهات نظری وارد متون گشته‌اند. بنابراین نویسندگان آموزه یاد شده از همان بدو اعلام موضعشان، خود را هوادار ترجمه تحت اللفظی می‌شناساند و بر این توهم پا می‌فشارند که در گذر از زبانی به زبان دیگر تحقق بخشیدن به «رونوشتهای موق» بدون هرگونه کجروی و تغییر و تبدیل دست یافتنی است. آنها کم و بیش *transduction* را نوعی انتقال بدون تحریف تلقی می‌کنند. در نگاه امروزین، این رویکرد را باور ندارد. این رابطه به شیوه‌ای که مفهومی بیان شد ۲۷ تنها در مورد برخی اجزای متن اولیه صادق است و بر تمام اجزاء سخن به یکسان صدق نمی‌کند.

فرایند ترجمه مستلزم تفسیر مفهوم است و بازگویی آن چه در قالبهای کم و بیش شناخته شده و پیشینی زبان مقصد، چه در قالب تعیین معادل‌های واژگانی، واژگان همکردی ۲۸ و یا گزاره‌ای که به آن خلاقیت استدلالی می‌گوییم. تشبیه کردن کار ترجمه به عمل ظرف به ظرف کردن با دقتی تضمینی، برداشتی محدود و نادرست از این کار پیچیده است. مترجمانی مانند شاتوبریان ۲۹ و دیگرانی که پیرو محض و سرسخت ترجمه تحت‌اللفظی هستند، وسواسی واقعی به مقوله «دقت» نشان می‌دهند و اشتباهشان اینست که این دقت را در پس واژگان جستجو می‌کنند، در حالیکه مفهوم از گزاره برمی‌آید. ترجمه نه تقلید است نه همانندسازی واژگان: «دقت به مفهوم تعلق دارد، دقت جزئی از مفهوم است و مفهوم، خود، جزئی از روند تولید نشانه است ۳۰». ترجمه عملی است با زبانی ویژه. ترجمه نمی‌تواند منکر خود شود و وانمود کند که اصلاً وجود نداشته و متن برگردان شده را بی‌کم و کاست عرضه داشته است، این موضوعی است که آرنو رنکن به خوبی متوجه آن شده است: «[این‌که] یک ترجمه خوب ترجمه‌ای است که متن آن با متن اصلی همسان باشد، هم عملاً امری محال است، هم انحرافی نظری است چرا که در این صورت ترجمه بایستی در روند کارکردش از خود بیگانه شود ۳۱».

از دید نویسندگان آموزه پنجم [همه زبانهای طبیعی حقوق و شأن خود را دارند ولی همه آنها، از نظر قدرت برقراری ارتباط و گستره نشرشان، در یک سطح نیستند. در این مورد سلسله مراتبی برای زبانها در نظر گرفته می‌شود. آموزه یاد شده شمار زبانهایی را که از لحاظ قانونی در مراسم نیایش و نیز برای ترجمه پذیرفتنی‌اند مشخص می‌کند. زبانهایی که «تنها جذابیت فرهنگی دارند» (بند ۱۰) و احتمال دوامشان کم است از این گروه حذف می‌شوند و در نتیجه ترجمه به زبانها یا گویش‌های بومی که در حال نابودی‌اند کمتر محقق می‌شوند. نویسندگان این سند اذعان دارند - و البته در تاریخ هم دیده می‌شود، که ورود زبانهای بومی به آیین‌های نیایش توسط کلیسا می‌تواند اثری تعیین کننده بر سرنوشت این زبانها داشته باشد. بهرحال گزینش زبانهایی که ترجمه به آنها صورت بپذیرد، گزینشی است نظری و جهت‌دار. در این راستاست که رُم بار دیگر با شدت و حدت مزایای گرایش به ترجمه تحت‌اللفظی را تأیید می‌کند. از این پس بر خواننده است که تلاش کند اصل مطلب را دریابد. با این‌که مجمع روحانیون زبانی ساده، موجز، صریح و عاری از هرگونه تکرار زاید را توصیه می‌کردند، آموزه پنجم مخالف خلاقیت است (بند ۲۰) و تحت‌اللفظی‌ترین ترجمه را تحمیل می‌کند، حتی اگر واژگان ترجمه کهن، منسوخ و نامفهوم باشند. از بند ۱۹ تا بند ۶۹ این آموزه به تفصیل به بیان قوانین و الزاماتی می‌پردازد که مترجمان باید در ترجمه کامل و دقیق «متن اصلی یا اولیه [...]» از آنها تبعیت نمایند (بند ۲۰). چند مثال کوتاه را برای روشن شدن نوع ترجمه تحت‌اللفظی طرح شده در آموزه می‌آوریم. در فرمول متداول سلام *Dominus vobiscum* که در انگلیسی به *you and the Lord be with* (لرد همراهت باشد) ترجمه شده است، مؤمنین عادت داشتند در جواب بگویند *And also with you* (و نیز با شما). اما از این به بعد مؤمنین (مانند زبان فرانسه قدیم) باید می‌گفتند *And with your spirit* (و با روح شما) که

گرت‌برداری از *Et cum spiritu tuo* در لاتین است. مثالی دیگر؛ اصول دین می‌باید همیشه با اول شخص مفرد ترجمه شود و اصطلاح «رستاخیز تن» که ترجمه‌ای تحت‌اللفظی است (بند ۶۵) به جای اصطلاح «رستاخیز مردگان» می‌نشیند.

در این نگاه، دیگر سبک ساده‌ای که فاقد گزاره‌های پیرو، آرایه‌های سخن و تکرار باشند دل‌نشین نیست و زمان آن رسیده که زبان فاخر و موقر، در جایگاه به حق خود، جایگزین زبان رایج خیل مسیحیان گردد. اگر قرار است واژگان تازه‌ای ساخته شود و حوزه معنایی واژگانی که پیش از این در زبانهای عامیانه به کار رفته‌اند گسترش یابد، این نوآوری‌ها باید همگام با الزامات واقعی فرهنگی و دینی انجام گیرد و هدف، تنها نوآوری و ایجاد تفاوت

است، نهادی عظیم و چند ملیتی با شاخه‌های گوناگون به‌شمار می‌رود که در درون آن یکدست کردن واژگان رایج در ارتباطات کتبی، و نیز شناساندن فرآورده‌های فرهنگی و روند ساخت آنها، دغدغه‌ای دایمی است. آشکار است که رم با نشر پنجمین آموزه بهیچوجه قصد پالایش زبان انجیل، روزآمد کردن آن و یا زدودنش از لایه‌های فرهنگی، که در طی سده‌ها بر روی هم انباشته شده‌اند را نداشت. باید که «انجیل، پس از سده‌ها پیرایه بستن بر زبان و تصرف در آن و انحرافات نظری، دوباره به عبری، فرانسه و به تمام زبانهایی که پیشتر ترجمه شده است برگردانده شود ۳۴.» و این ترجمه مجدد بویژه به زبان عبری، باید به گونه‌ای باشد که پیام انجیل اعتبار و مفهوم خود را نزد مسیحیان از دست ندهد ۳۵. از این پس، ترجمه مجدد از ترجمه‌های دیگر ممنوع شد و این قانون



نباشد (بند ۲۱ و ۲۲). ترجیحاً واژگان سنتی نئوولگات مانند Alleluia, Amen, Kyrie eleison حفظ می‌شوند. مأموران کلیسا معادل‌های دوباره‌نویسی شده‌ای مانند *éveiller* (بیدار کردن) که به جای *ressuciter* (احیا کردن) آمده‌است را طرد می‌کنند. همچنان که ترجمه سروده‌های دینی (*les Psaumes*) به حمدیات Amen، Gloires به «این ایمان من است»، گناه (*péché*) و گناهکار (*pécheur*) به گمراهی (*égarement*) و گمراه (*égaré*) ۳۲) و نیز عهد جدید (*Nouveau Test*) به پیمانی جدید (*Un Pacte neuf*)، رد شدند ۳۳. مترجمانی که در خدمت واتیکان هستند باید حداکثر ظرفیت واژگان مذهبی مسیح و زبان مسیحی را در انتقال متون به کار گیرند. کلیسای کاتولیک، از این حیث که جهانی و منحصر به فرد

عرفی کاملاً معتبر، در آیین‌نامه‌های کیفی انجمن‌های مترجمان حرفه‌ای ۳۶ هم به چشم می‌خورد. با توجه به بافت کلی این آموزه، این موضوع هم به ذهن می‌آید که کاهش شمار ترجمه‌های در دسترس نیز هدف ناگفته این قانون می‌توانسته باشد. از آن به بعد است که ترجمه متون نیایشی تنها از نسخه‌های رسمی لاتین مجاز بود، در حالیکه ترجمه متون مقدس از عبری، آرامی و یونانی صورت گرفت. البته در موارد نیایشی، نئوولگات به عنوان الگوی ارجح سنت کلیسا مد نظر قرار داشت (بند ۲۴). واژگان مورد استفاده در ترجمه‌ها می‌بایست منزلت و زیبایی محتوای دقیق آموزه‌های متون را پاس بدارند. به بیان دقیقتر، این واژگان باید «از هر گونه پیوند کوتاه‌بینانه به شیوه‌های بیان لحظه‌ای مبرا باشند.» (بند ۲۷)، با دقت گزینش شوند و از زبان دینی مسیحی

الهام شده از عالم ملکوت «سبکی فاخر» بسازند: «ترجمه دینی که اقتدار و کمال متون اصلی را انتقال می‌دهد، زبان عامه مقدسی را می‌سازد که واژگانش، نحوش و دستور زبانش مناسب کیش الهی است، بی‌آنکه قدرت و اقتدارشان را در زبان روزمره از دست بدهند. زبانهای مردمان مسیحی باستان هم مثالی از این مورد است» (بند ۴۷). به نظر می‌رسد قانون مزبور این ذهنیت را القا می‌کند که ثبات واژگان موجب ثبات این نهاد و پذیرش آن و آموزه‌هایش می‌شود. و این قضیه راجع به نمادها، استعاره‌ها و امور مذهبی هم که باید «گویای خود باشند» مطرح است. «از آوردن توضیحات پیش و پا افتاده برای نکات ظریف کنایات در انجیل خودداری شود» (بند ۴۹). واژگان کهن بر واژگان نو که سرانجامی نامعلوم و شاید ناپایدار دارند ارجحند. به این ترتیب دوران ترجمه‌های نزدیک به هم، تفسیری و قوم‌مدارانه به پایان می‌رسد. بهتر است تمام واژگانی که از ریخت کالبد بشر برگرفته شده‌اند، «نه کمرنگ شوند و نه در زبانهای عامیانه با واژگان انتزاعی و یا گنگ جایگزین گردند» (بند ۴۳). در موارد دیگری هم این احترام پرشور به واژگان سنتی مسیحی به چشم می‌خورد مانند تکریم ترجمه‌های قدیمی، ستایش صورتهای پیشین زبان و رد این باور که زبانهای زنده دارای توانایی‌های گویایی برای بیان پیام الهی هستند.

به منظور حفظ یکپارچگی و استحکام، در هر خطه‌ای باید ترجمه واحدی مدنظر قرار گیرد. همچنین از مترجمان خواسته می‌شود که از واژگان یا سبکی که کاتولیک‌ها ممکن است با روشهای بیانی جوامع دینی غیر کاتولیک آمیخته باشند، بپرهیزند. همچنین واتیکان که دغدغه خاطرش حفظ پیوستگی، یکپارچگی و هماهنگ‌سازی مجموعه آموزه‌اش است، انتظار دارد انطباق مختصری هم میان متون دعایی، آیات منتخب ۳۷، و آیین نیایشی با متن نئوولگات وجود داشته باشد. مترجمان موظفند روشی در پیش بگیرند که این هماهنگی رعایت شود (بند ۴۹). مترجمان همچنین باید توجه کنند که «ترجمه مفهوم سنت مسیحیت، گونه‌شناسی و معنویت را بیان کند و وحدت و پیوند میان عهد عتیق و عهد جدید نیز باید در آن آشکار باشد.» (بند ۴۱) در یک کلام، از مترجمان خواسته می‌شود که عهد عتیق را به شیوه مسیحی درآورند و نشان دهند که عهد عتیق زمینه‌ساز عهد جدید بوده است. همین بند، قانونی هم برای تفسیر متونی که چندین تفسیر از آنها بر می‌آید پیشنهاد می‌کند: بخشی از متن را که ترجمه دشواری دارد می‌شود، بویژه در پرتو نئوولگات سنتی، یادداشتهای کشیشهای کلیسا و شگفت آورتر از آن در پرتو همه ترجمه‌های قدیمی متون مذهبی از جمله سپتانت ۳۸ و انجیل اسکندریه، ۳۹ فهم و ترجمه کرد. می‌دانیم که سپتانت گره‌برداری نامطلوبیست پر از اشتباهات بزرگ که در قالب زبان یونانی به شدت متأثر از زبان عبری ارائه شده است. می‌توان تصور کرد که دلیل آوردن نام این متن در بند یاد شده مربوط به تفسیر، تحت‌اللفظی بودن افراطی آن است که به متون اولیه ۴۰ که ژروم مروج آن بود بسیار نزدیک است. باید قبول داشت که در باور اینان، ترجمه دینی هر چه تحت‌اللفظی‌تر باشد به «حقیقت نسخه خطی» نزدیکتر و احساس وفادار بودن سخنگو به نویسنده اصلی، نزد مترجم، بیشتر است. [این نوع ترجمه در

نزد ولادیمیر ناباکوف اسطوره‌ای ریشه‌کن ناشدنی است. به نظر وی «اصطلاح ترجمه تحت‌اللفظی حشوآمیز است، زیرا ترجمه‌ای که تحت‌اللفظی نباشد نمی‌تواند ترجمه‌ای واقعی قلمداد شود، بلکه تقلید یا اقتباس یا تقلید است ۴۱».

نویسندگان آموزه پنجم که در آن اکثر زوایای بنیادین ترجمه مطرح شده‌است، استفاده از بحث جدید زبانی ۴۲ را، که به تشریح مفاهیم و عملیات ترجمه می‌پردازد، مناسب نمی‌بینند. آنها هیچ‌کدام از اصطلاحات تخصصی مانند زبان مبدأ، مقصد، متن مبدأ، متن مقصد، فرآیند ترجمه، راهبرد ترجمه، میان‌متنی ۴۳ و غیره را به کار نمی‌برند. با این وجود، در این آموزه مقوله‌های ارجاع بیرونی ۴۴، فهم ارجاعی ۴۵، پذیرش واژگان لاتینی که سخت ترجمه می‌شوند، مواردی که وجود وام واژه‌ها، توجیه پذیر است، خلق واژگان نو سطوح گوناگون معنایی متون، به بحث گذاشته می‌شوند. بندهای ۵۷، ۵۸ و ۵۹ به موضوع نحو، سبک‌ها و گونه‌های ادبی می‌پردازند. دو قید و بند دیگر هم به مجموع الزامات بر مترجمان اضافه می‌شود: «ترجمه متن به منظور آهنگین کردن آن» (بند ۶۰) و در نظر داشتن «زمان لازم برای خواندن متن با صدای بلند یا به صورت آواز» (بند ۶۲). و سرانجام بندهای آخر این آموزه (از بند ۷۰ تا ۱۳۰)، مربوطند به وجوه سامانه اجرایی و قضایی که در مراحل آماده‌سازی ترجمه‌ها باید در نظر داشت، از جمله، لزوم ارائه تأییدیه ۴۶، به منظور تضمین اعتبار ترجمه‌ها، تشکیل کمیسیونهای متصدی ترجمه‌ها و انتشار کتب نیایشی. از منظر واتیکان، ترجمه انجیل و اسناد نیایشی مستلزم توانایی‌ها و صلاحیت‌هایی بسیار ویژه است. از یک مترجم انتظارات زیادی می‌رود: علاوه بر دانستن زبانهای عبری، یونانی و لاتین مترجم باید روح پرستش‌گری و توکل به امدادهای خدایی داشته باشد (بند ۷۵)؛ معتقد، مطیع و پیرو کلیسا باشد؛ اعتقاد داشته باشد که متون نتیجه وحی‌اند و حقیقت و رمز رستگاری را در خود پنهان دارند؛ با احکام کاتولیک پیوند کامل و به معجزات اعتقاد داشته باشد؛ ترجمه برخی سطور را بدون درک آنها بپذیرد زیرا «سخنان متون مقدس حقایقی را بیان می‌کنند که از مرزهای زمان و مکان فراترند» (بند ۲۱)؛ معتقد باشد که برخی ابهامات موجود در متون خواست خداوند است (بند ۱۹)؛ در راستای ترویج آموزه کاتولیک و ترجمه لفظ به لفظ و متناسب با سنتهای چند صد ساله کلیسا هوشیار باشد و این موضوع را بپذیرد که ترجمه‌اش توسط افرادی که در مسائل آموزه خبره‌اند اما لزوماً به رموز ترجمه آشنا نیستند، بازبینی خواهد شد.

مترجمان پیش از پذیرفته شدن در کمیسیون باید بخشی از حق‌شناسی را که به آن متعهد شده‌اند نشان دهند و در ابتدا مجوز ۴۷ را از جانب مجمع روحانیون برای پرستش خدا و برپایی آیین عشاء ربانی احراز کنند. به علاوه آنها باید بپذیرند که کارشان را به صورت محرمانه، یا بهتر بگوییم به صورت گمنام، انجام دهند. به نظر می‌رسد زمان آن که انجیل‌ها را با اسم مترجمشان می‌شناختند سپری شده‌است. از آنجا که، درست بر خلاف عقیده جاری محافل ترجمه‌شناسی، به ترجمه به عنوان عملی آفرینشی نگاه نمی‌شود، مترجم باید در برابر متن مقدس خود را حذف نماید. برای رهبران کلیسا، در این اقتضای ناشناخته ماندن در متن، منطقی نهفته است.

۲۵. Berman, A. (۱۹۹۵), *Pour une critique des traductions* : John Donne, Paris, Gallimard, coll. «NRF».
۲۶. Berner, Ch. (۱۹۹۹), «Le penchant à traduire», dans F. Schleimacher, *Des différentes méthodes du traduire*, Paris, Éditions du Seuil, coll. «Points. Essais», n° ۴۰۲, p. ۱۸.
۲۷. این واژه برای نام‌گذاری اولین سطح از سه سطح از عمل ترجمه است. دوسطح دیگر عبارتند از «یادآوری جزئیات» و «آفرینش استدلالی». انتقال (report)، عملی از فرایند ترجمه است که با آن برخی داده‌های متن مبدأ را که نیازی به تحلیل و تفسیر ندارند، بدون تغییر و یا با اندکی تغییر به متن مقصد انتقال می‌دهند.
۲۸. Syntagme
۲۹. این نویسنده علاقه ویژه‌اش را به لفظ‌گرایی آشکارا بیان می‌کند: «ترجمه تحت‌اللفظی به نظر من بهترین نوع است، زیرا ترجمه سطر به سطر اوج کمال ترجمه است. البته اگر عوامل غیرمتعارف را از آن بزدااییم» او در یادداشتهای پیش از ترجمه بهشت گمشده میلتون می‌نویسد: «ترجمه‌ای که با قدرت در پیش گرفته‌ام تحت‌اللفظی است، ترجمه‌ای که یک کودک یا یک شاعر از پس انجام آن بر می‌آیند. خط به خط، واژه به واژه مانند فرهنگ لغت که جلو چشمانت باز باشد.»
۳۰. Chateaubriand, Fr. R. de (۱۸۳۷), «Essai sur la littérature angloise. Avertissement», dans *Œuvres complètes*, Paris, Pourrat Frères, t. XXIII, p. ۴.
۳۱. Meschonnic, H. (۲۰۰۴), *Un coup de Bible dans la philosophie*, Paris, Bayard, p. ۱۷۳.
۳۲. Renken, A. (۲۰۰۲), *La représentation de l'étranger. Une réflexion herméneutique sur la notion de traduction*, Lausanne, Université de Lausanne, Cahiers du Centre de Traduction Littéraire, n° ۴۲, p. ۱۷.
۳۳. Mechonnic, H. (۲۰۰۱), *Gloires, Traduction des psaumes*, Paris, Desclée de Brouwer.
۳۴. Chouraqui, A. (۱۹۸۹), *La Bible*, Bruxelles, Desclée de Brouwer.
۳۵. همان، ص ۱۵۱.
۳۶. با اینحال، رم سرسختانه به زبان گفتاری مسیحی که در طول قرون پا گرفته بود، وفادار ماند و جدیدترین آموزه‌های بهیچوجه در راستای تجدید نظر در باب این زبان نبود.
۳۷. نمونه آن عقیده انجمن مترجمان ادبی فرانسه (ATLF) است که طبق آن: «مترجم باید از ترجمه نسخه برگردان اثر به زبان بیگانه بپرهیزد (ترجمه مجدد traduction-relais) مگر با مجوز نویسنده. (بند ۳).
۳۸. *Lectonnaire*، کتابی که در آن متون انجیل و متون مربوط به وظایف کشیشها در زمان وعظ‌ها و خطابه‌ها در کلیسا یا در مراسم-ها به چشم می‌خورند که همگی باید خوانده شوند.
۳۹. Septante
۴۰. *Bible d'Alexandrie*، انجیل جمعیت‌های یهودی مصر و نیز انجیل کشیش‌های کلیسا و تنها انجیل مسیحیان در طی قرون.
۴۱. Veritas hebrica
۴۲. Nabacov, V. (۱۹۵۵), «Problems of Translation : Origine in English», dans *Partisan Review*, vol. ۲۲, n° ۴, p. ۵۰۴.
۴۳. Métalinguistique
۴۴. Intertextualité
۴۵. Dénotation
۴۶. Connotation
۴۷. Recognitio
۴۸. Nihil obstat
- پاورقی‌ها:
۱. Delisle J. (۲۰۰۵), «Les nouvelles règles de traduction du Vatican», *Meta, Journal des traducteurs*, PUM, pp. ۸۳۱-۸۵۰.
۲. Boyer F. (۲۰۰۲), *La Bible, notre exil*, Paris, P.O.L., p. ۱۲۰.
۳. Rabin C. (۱۹۷۲), «Cultural Aspects of Bible Translations», in *Babel*, vol. XVIII, n° ۳, pp. ۱۱-۲۰.
۴. Vetus Latina
۵. Le pape Damas Ier (v. ۳۵۰-۳۸۴)
۶. E. Hieronymus, Jérôme (v. ۳۴۷-۴۲۰)
۷. Vulgate به معنی «متن عمومی» یا «متن مشترک»، اولین بار در قرن سیزدهم برای نامیدن ترجمه لاتین انجیل به کار رفت.
۸. - در واقع دو قرن پیش از این در انگلیس، مذهب‌شناسی به نام جان ویکلیف (J. Wyclif, ۱۳۲۰-۱۳۸۴)، با انتقاد از پاپ و معرفی انجیل به عنوان پایه ایمان، به عنوان پیشگام نهضت اصلاح‌خواهی دینی ظهور کرد. به علاوه نام وی به عنوان «اولین پروتستان» مطرح است. ترجمه او از انجیل شاید مهمترین اثر ترجمه‌ای به زبان انگلیسی در قرن چهاردهم مدنظر باشد.
۹. Cary, E. (۱۹۶۳), *Les grandes traductions française*, Genève, Librairie de l'Université.
۱۰. Trente
۱۱. Denzinger, H. (۲۰۰۱), *Titre symboles et définitions de la foi catholique*, Éditions du Cerf, ۲۰۰۱, ۱۲۸۳ p.
۱۲. Pie VII, «Lettre Magno et acerbo à l'archevêque de Moghilev», ۳ septembre ۱۸۱۶.
۱۳. Grégoire XVI (۱۸۴۴), *Inter praecipuas machinationes*, Lettre encyclique contre les sociétés bibliques.
۱۴. «نسخه نمونه» به کتابی گفته میشود که با حکم مجمع روحانیون برای آیین دعا و عشا ربانی، به چاپ برسد. نسخ نمونه به چاپ رسیده پس از پنجمین آموزه (۲۰۰۱) در چاپخانه واتیکان به چاپ رسیدند و حق پخش آنها برای Libreria Editrice Vaticana محفوظ بود. (۲۰۰۱، Liturgiam authentciam، بند ۱۰۹).
۱۵. Divino Afflante Spiriu
۱۶. - پیشینیان وی، پاپ پی دهم و پاپ پی یازدهم، با بازبینی نسخه لاتین وولگات بدون سفارش ترجمه به زبانهای دیگر مخالفتی نکردند.
۱۷. - به بیان دقیقتر، برای متون انجیل هرگز نمی‌توان «متون اولیه» در نظر گرفت. زیرا آنچه به ما رسیده، رونوشت متون اولیه است. متونی که به دفعات ترجمه شوند، نسخه اولیه ندارند.
۱۸. - نویسنده این بخشنامه به این موضوع آگاه است که لازمه ترجمه، وجود مترجمی است که «خصوصیت ویژه نویسنده، شرایط زندگی او، عصری که در آن می‌زیسته، منابع شفاهی و نوشتاری مورد استفاده وی و سبک نگارشش» را بشناسد. تا به این ترتیب مفهوم دقیق نوشته‌های شارح زندگی مقدسین را بهتر متوجه شود. این نظریه بسیار نوین است. نظریه پردازان کنونی، دانستن مکمل-های شناختی یعنی نویسنده، سبک، بافت اجتماعی، تأثیرات و غیره را نیز توصیه می‌کنند.
۱۹. Varietates legitimatae
۲۰. می‌توان در نظر داشت که از نظر تاریخی، اولین مورد هماهنگی فرهنگی که متون انجیل دستخوش آن شد، ترجمه عهد عتیق به زبان یونانی (Septante) در قرن سوم قبل از میلاد است.
۲۱. Nava Vulgata یا Néo Vulgate
۲۲. Vicesimus Quintus Annus
۲۳. Ad interim
۲۴. Jean-Paul II (۱۹۸۸), art. ۲۰.